

کد ویژه جوانان

شماره ۲ - چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۳۶۰ - ۸ صفحه
ضمیمه ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون طرح جدید گزینش دانشجو

● اصل سوم از اصول کلی قانون اساسی ، آموزش و پرورش و تربیت بدنی را برای همه و در تمام سطوح رایگان اعلام کرده است و تسهیل و تعمیم "آموزش عالی را قانونیت داده است . در حالی که طرح مذکور نه تنها "تسهیلاتی" برای آموزش عالی ایجاد نمی کند و آن را "تعمیم" نمی دهد بلکه آموزش عالی را در محدودهای غیر از آنچه قانون اساسی تصریح کرده و ضروریات انقلاب می طلبد ، نگه داشته است

● باید کاری کرد که فارغ التحصیلان دبیرستان های ما بتوانند بر مبنای تخصص های اکتسابی به خدمت جامعه درآیند و همه اینکارها را نمی توان منحصر به یک ساله پایان دوره دبیرستان نمود . باید خلائی بین کارگران ساده و متخصصین را از طریق ایجاد و گسترش مدارس حرفه ای و فنی در جنب واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی پر کرد و با ایجاد دوره های آموزشی کوتاه مدت پس از اخذ دیپلم در ارتباط با کار وزارتخانه ها و سازمان های دولتی عرصه های کار نوینی برای جوانان بوجود آورد . درعین حال باید امکانات آموزش عالی را گسترش داده و آن را در اختیار همه قرار دهیم .

در صفحه ۴

ورزش صبحگاهی را دوستان سراسری سازمان دهیم

● برای آنکه ورزش صبحگاهی در مدارس هرچه وسیع تر به اجرا درآید و اکثریت توده دانش آموزان را زیر پوشش خود بگیرد ، باید اقداماتی جدی در جهت هماهنگ کردن ورزش صبحگاهی محصلین صورت گیرد . علاوه بر آن ، باید سازمان بازاریارنده گسترش ورزش ، از میان برداشته شوند ، بهترین بخش این وظیفه به عهده مسئولین آموزش و پرورش است ، ضمن آنکه دانش آموزان آگاه و انقلابی برانند با تلاش بیگانه ریشه را مساعدتر سازند و مسئولان خود را به حرکت بر این حالت جسی فراخوانند .

در صفحه ۵

یاردرخانه وماگرد جهان می گردیم

● چرا وارثان و سازندگان میهن انقلابی مان را در داخل کشور تربیت نکنیم ؟

در صفحه ۶

بادولت جدید ، جوانان

ازمشکلاتشان می گویند

● ما همچنان بر آمادگی رزمی نیروهای وسیع مردم بهویژه جوانان انقلابی برای مقابله و رویارویی با توطئه های امپریالیسم جهانی تاکید می کنیم .

● سهل نیست که با تمام معضلات ، ریشه کن کردن بیکاری در کوتاه مدت انجام پذیرد اما برنامه ریزی برای حل این مشکل ، ارائه چشم اندازی برای وضعیت مطلوب و اقدام عملی برای اجرای این برنامه ها ، آن چیزی است که امروز می توان طلب کرد .

در صفحه ۲

خروش یکپارچه دانش آموزان در مراسم ۱۳ آبان

مرگ بر آمریکا دشمن اصلی ما



● روز ۱۳ آبان ، خیابان های اطراف جاسوسخانه آمریکا بار دیگر سرشار از جمعیتی شد که یکپارچه شعار "مرگ بر آمریکا دشمن اصلی ما" سرمی دادند . صدها هزار مشت گره کرده ، بار دیگر اتحاد و پایداری خلق بیخاسته مان را به نمایش گذاشتند . ده ها مترسک "عمو سام" این دیو مکار و دشمن خونخوار زحمتکشان جهان در آتش خشم مردم سوخت و دود شد . صدها پرچم آمریکا زیر پاهای کوچک محصلین دبستانی و در زیر گام های استوار سپاه مصمم دانش آموز لگدکوب شد .

روز ۱۳ آبان ، هزاران پرچم آمریکا به دست مردمی که داغ جنایت های امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا را بر سینه دارند ، در سراسر ایران به آتش کشیده شد . گویی در این روز ، سرنوشت محتوم امپریالیسم به نمایش گذارده می شد .

روز ۱۳ آبان ، سالروز تبعید امام خمینی ، سالروز مقاومت خونین دانش آموزان و دانشجویان در برابر چکمه پوشان رژیم آمریکایی شاه و دومین سالگرد تسخیر لانه جاسوسی آمریکا ، توسط دانش آموزان گرامی داشته شد . بسیاری از مردم انقلابی ایران فرزندان خود را در این مراسم همراهی کردند . و بدینگونه بود که اطراف جاسوسخانه ، این میعادگاه مشت های گره کرده ، این جولانگاه قلب های پرتپش سینه های آتشین و چشم های پر امید بار دیگر سراسر خروش و فریاد شد .

"مرگ بر آمریکا ! مرگ بر آمریکا ! " این نشان خشم بود . خشم بی پایان خلق نسبت به آمریکا ، سرکرده امپریالیست های جهان . " درود بر خمینی ، سلام بر دانشجوی خط امام " و این سپاس بود . سپاس خلق از رهبر انقلاب و از تسخیرکنندگان مرکز توطئه و خیانت امپریالیسم آمریکا .

بقیه در صفحه ۳

پیش بسوی تشکیل اتحادیه سراسری دانش آموزان ایران!

بادولت جدید

جوانان از مشکلاتشان می گویند



انتظار داریم که موقعیت خاص و ویژه جوانان در برنامه‌های دولت آتی جای خویش را به درستی بیابد و با درایت و تیزبینی دولتمردان جمهوری اسلامی ایران انقلاب، همه نیروهای بالقوه و بالفعل خویش را تجهیز کند و در مقابله با دسائس دشمنان بگمارد.

روابط خوبی با آن نداریم ... " به این علت است که ما همچنان بر آمادگی رزمی نیروهای وسیع مردم و به‌ویژه جوانان انقلابی برای مقابله و روبرویی با توطئه‌های امپریالیسم جهانی تاکید می‌کنیم و می‌خواهیم برای پیروزی نهایی در جنگ تحمیل شده عراق به ایران و دیگر صحنه‌های رزم، آمادگی جوانان مورد توجه قرار گیرد این درست به معنای گسترده‌تر شدن صفوف ارتش بیست میلیونی است تا تعداد هرچه بیشتری از جوانان و نوجوانان ایرانی را در خود جای داده و آنها را مجهز به آموزش‌های نظامی بنماید.

ما درک می‌کنیم که رکود کنونی اقتصاد ایران دنباله زکودی است که از سال ۶۵ آغاز شده است، ما می‌فهمیم که این از عواقب یک اقتصاد وابسته است که ناگهان چنین توقیفی در فعالیت‌هایش ایجاد می‌گردد، ما می‌دانیم که بیکاری بخش وسیعی از جوانان میهنمان، در نتیجه سیاست‌های نوکرمآب دار و دسته شاه است.

اما پس از انقلاب گذشته از توطئه‌های رنگارنگ دشمنان، حضور دوستان نیمه‌راه در دولت‌های پیشین و نفوذ عوامل مخرب که به مسائل فوق اضافه شده، فقدان یک سیاست سنجیده و مشخص اقتصادی - اجتماعی و برنامه جامع و علمی برای تحقق این سیاست، حل مشکلات به شکل موضعی و چه بسا اتخاذ تصمیمات ناسنجیده و ذهن‌گرایانه برای حل آنها، ندانم‌کاری، کارشناسی، جاه‌طلبی، بی‌تجربگی و بسیاری پدیده‌های دیگر از این دست از سوی دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی، مجموعه عواملی است که بر شدت آشفتگی و نابسامانی‌ها افزوده است.

با توجه به تمام مطالب فوق است که می‌خواهیم بیکاری را در میهن ما ریشه‌کن کنید سهل نیست که با تمام معضلات، چنین کار عظیمی در کوتاه‌مدت انجام گیرد. اما برنامه‌ریزی برای حل این مشکل و ارائه چشم‌اندازی از وضعیت مطلوب و اقدام عملی برای اجرای این برنامه‌ها، آن چیزی است که امروز می‌توان طلب کرد.

مشکلاتی که بر اثر بیکاری گریبان هزاران جوان را گرفته بشمارند و آنچه در این میان برجسته‌تر است هرزرفتن انرژی بیکرانی است که باید برای ساختن ایران مستقل و آزاد بکار رود.

دولتمردان جمهوری اسلامی بخوبی واقفند که نظام آموزشی پیشین، در راستای اهداف خاص خویش، کسانی را تربیت می‌کرد که پس از اخذ

بقیه در صفحه ۷

نمی‌آید، آنان از بهترین رزمندگان می‌باشند که هر خلقی بیارمی‌آورد. دلالت محکم این سخن، تمام جانبازی‌های دوران دیکتاتوری رژیم سلطنت، مبارزات دوران انقلاب سخت‌کوشی‌های دوران تسخیر جاسوخانه و فداکاری‌های بزرگ در جبهه‌های جنگ میهنی است.

و زیاد نیست اگر که بگویم، نقش جوانان در ساختن ایران انقلابی در آینده، نقشی تعیین کننده است چرا که جوانان جان‌مایه و خون تازه هر جنبش اجتماعی و آماده‌ترین بخشی هستند که اهداف و برنامه‌های انقلابی و نوین را درک کرده و برای تحقق آنها تلاش می‌کنند. به همین ویژگی است که جوانان منادی آینده هر جامعه بشمار می‌آیند و سنگ پایه‌های ترقی و کامکاری جامعه را بنا می‌نهند.

آقای نخست‌وزیر!

بدین لحاظ است که جذب و سازمان‌دادن جوانان در سمت اهداف میهنی و مردمی، بطور موثری جنبش ما را به گامی‌های گسترده‌ترین خواهد کرد.

بر پایه تمام زمینه‌های مثبتی که در واقعیات روزمره جامعه ما برای اجرای دگرگونی‌های عمیق موجود است براساس چشم‌اندازهای روشنی که در حرکت دولت جدید تصویر کرده‌اید و بر مبنای توانی که در مردمان سراغ داریم، فکر می‌کنیم که باید در انتظار تحولات بسیار جدی در آینده انقلاب باشیم.

بدین سبب است که در اینجا می‌گوئیم تا اساسی‌ترین مسائل و خواست‌های جوانان را با دولت جدید مطرح کنیم و امید آن داریم که برنامه‌ها و حرکات کابینه شما برای تحقق این خواست‌ها و بسیج توده‌های جوانان و شرکتشان در مبارزه انقلابی، آغازی نوین باشد.

انقلاب ایران تا بحال شاهد توطئه‌های بسیار امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بوده است. خلق ما در بسا صحنه‌ها به زورآزمایی یا این دشمنان پرداخته و مایه سرافرازی آنکه، از تمامی نبردها پیروز بیرون آمده.

بدیهی است تا آن هنگامی که مردم ما هدف رسیدن به استقلال کامل را دنبال می‌کنند، امپریالیست‌ها دست از سر ما برنخواهند داشت. چنانکه در همین چند روز گذشته "هیسگ" وزیر امور خارجه ایالات متحده گفته بود حکومت ایران، حکومت دلخواه نیست و ما

"... در پیروزی ۲۲ بهمن ملت ما موفق شد ساخت سیاسی رژیم گذشته را درهم بشکند ولی مدت‌ها طول کشید تا این دگرگونی عمیق و واقعی را در خود ایجاد کند و به آن عمق بخشد و برای این عمق بخشیدن ما شاهد بودیم که چه بلاهایی از سر گذراند و چه مبارزات گسترده‌ای را کرد و چقدر در این راه قربانی دادیم.

... من فکر می‌کنم که برای کارکردن الان زمینه مساعدتری برای هر دولتی که بخواهد روی کار بیاید وجود دارد... امروز نهادها و نظر سازماندهی پیچیده‌تر، آموخته‌تر شده‌اند. ... من فکر می‌کنم که با وجود چنین زمینه‌هایی اگر شناخت واقعی وجود داشته باشد و اعتقاد و باور عمیقی به دگرگونی در هیئت دولت وجود داشته باشد، با مشکلات هرچه وسیع‌تر، گسترده‌تر و زیادتر می‌تواند مقابله کند، چرا که انقلاب ما قدمی به پس ننهاد، همیشه در حال پیشرفت رشد و جلورفتن بوده، علیرغم تمام مصیبت‌ها و ضایعات ..."

(از نطق نخست‌وزیر در مجلس شورای اسلامی برای معرفی کابینه)

آقای نخست‌وزیر!

آری، این چنین بوده است. جمهوری نوپای اسلامی ایران با پشت سرگذاردن مراحل دشوار و پر نشیب و فراز، اکنون زمام امور اجرایی خویش را بدست شما سپرده است. در چنین مرحله‌ای که به گفته امام "آنکه وظیفه خود را صد درصد صحیح انجام داد، ملت بود اکنون نوبت شماست"، مجلس شورای اسلامی به شما به عنوان رئیس کابینه رای اعتماد داده است.

حال جوانان میهن می‌خواهند با شما سخن بگویند. با شما که با شور بسیار و در کوران مبارزه جوانی خویش را طی کرده‌اید و بخوبی آگاهی که اگر در آن زمان تنها محافظی از جوانان، ایثارگران راه انقلاب بودند، امروزه توده جوانان یک نسل انقلابی به چنین ایثاری دست یازیده است.

گزاره نیست اگر که نقش جوانان را در مبارزه‌های که تاکنون داشته‌ایم، نقشی سترگ بدانیم، چرا که به روزگار ما و مشخصا در لحظه لحظه انقلاب ایران تمامی رخدادهای، جای ممتاز جوانان را در مبارزه خلق کبیرمان به روشنی نشان داده است. جوانان همیشه از ستون‌های جنبش مردمی و آن بهاری هستند که هیچگاه مومش به سر

جوانان انقلابی میهنان هر لحظه و در هر سنگر، آماده مبارزه با امپریالیسم جهانی

به سرکردگی امریکای جنایتکارند

خروش یکپارچه دانش آموزان در مراسم ۱۳ آبان

مرگ بر آمریکا



هفته دوم آبانماه، هفته دانش آموز

چهارشنبه ۱۳ آبان، دانش آموزان ایران مراسم پنجمین روز هفته دانش آموز را برگزار کردند. براساس برنامه‌ای که از طرف "امور تربیتی مدارس تهران" پیش بینی شده بود، دومین هفته آبانماه، هفته دانش آموز نام نهاده شد. براساس این طرح هرروز این هفته به برگزاری مراسمی ویژه اختصاص یافت. شنبه روز بزرگداشت شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی و روز کمک به جنگزدگان بود. دانش آموزان بسیاری از مدارس در این روز به دیدار خانواده شهدایی که می‌شناختند رفتند و برایشان دسته‌های گل بردند. برای کمک به جنگزدگان پول و پوشاک جمع آوری کردند. ساعتی از کلاس درس را به توضیح علل جنگ تحمیلی و چگونگی جنایتهای آمریکا بدست‌صدام گذراندند.

یکشنبه روز ایثار بود. در این روز، در مراسم صبحگاهی برخی مدارس مقاله‌هایی درباره ایثار و فداکاری، توسط دانش آموزان خوانده شد. در بعضی مدارس دیگر، از طرف دانش آموزان، خانواده‌های شهدای انقلاب و یا جنگ تحمیلی برای سخنرانی درباره فرزندان شهیدشان دعوت شدند. بسیاری از دانش آموزان در این روز به مادران داغ‌دیده، شاخه‌های گل تقدیم کردند و برای کمک به جنگزدگان به جمع‌آوری پول پرداختند.

دوشنبه روز خودسازی و وحدت نام گذاشته شده بود. مسئولین برخی مدارس در این روز به توضیح و تشریح مفهوم خود سازی و راههای رسیدن به یگانگی و وحدت پرداختند. در تعداد دیگری از مدارس، مسئولین مدرسه، دانش آموزان را به گرفتن روزه در این روز تشویق کردند. چهارمین روز هفته دانش آموز، روز جهاد سازندگی بود. در تعداد معدودی از مدارس،

آنهم فقط مدارس پسرانه دانش آموزان به کار در بیرون مدرسه برای نظافت شهر و یا کمک به روستاییان پرداختند. در بزرگداشت پنجمین روز هفته یعنی ۱۳ آبان، روز دانش آموز، تقریباً همه دانش آموزان ایران شرکت داشتند. در تهران، آغاز مراسم از درون مدارس بود. در مراسم صبحگاهی مدارس در این روز، پرچمها و مترسک‌های آمریکا سوزانده شد. بچه‌ها، هنگام خروج، پرچم آمریکا را که از پیش، در ورودی مدرسه پهن کرده بودند، گاه با خشم و گاه از سرشوق لگدکوب می‌کردند، سرود می‌خواندند و شعار می‌دادند. "آمریکا نابوداست، خلق ما پیروز است" گاه در مدارس متن‌هایی در بزرگداشت روز دانش آموز و تشریح جنایات آمریکا خوانده می‌شد و آنگاه صف پرشوری از جوانان و نوجوانان همچون رودی به سوی جاسوسخانه آمریکا جاری می‌شد. و این رود

آنجا به دریای است.

خشروشان
دانش آموزانی که
اطراف لانه
جاسوسی با
مشتهای گره‌کرده
شعار می‌دادند
می‌پیوست
دانش آموزانی که
در سخنران
معلم‌هاشان معنای
وحدت را جستجو
می‌کردند، امروز
تیلور راستین
بگوانگی و
یکپارچگی را در
این دریای
خشروشان
دانش آموزانی
می‌یافتند که فریاد
برمی‌آوردند

" امروز روز بت شکستن ماست!
روز شکستن بت آمریکاست!
مراسم ۱۳ آبان ساعت ۲ بعد
ازظهر با تلاوت آیاتی از قرآن
مجید شروع شد. سپس سرودی
انقلابی توسط دانش آموزان
خوانده شد. پس از پیام
اتحادیه انجمنهای اسلامی
مدارس، قطعنامه ۱۳ آبان از
پشت تریبون خوانده شد. در این
قطعنامه ضمن تاکید بر مبارزه با
فرهنگ استعماری و پاسخگویی به
مشکلات محرومان جامعه که پایه
اصولی انقلابند، بر مبارزه با
توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم
جهانی به سرکردگی امریکاتاکید
شد. در بخشی از قطعنامه چنین
آمده است:

" ما به توطئه‌ها و دسایس
استکبار جهانی به سرکردگی
آمریکای جهان‌خوار واقفیم و تا
محو آن از پای نمی‌نشینیم.
ارتش ده میلیونی دانش آموزان
ضمن حمایت از کلیه رزمندگان
جبهه‌های جنگ حق و باطل در
غرب و جنوب کشورمان تا دفع
هرگونه تجاوز آماده جانبازی

روز پنجمین هفته دانش
آموز، از طرف "امور تربیتی"
مدارس، روز علم و دانش نام
بقیه در صفحه ۶

پیرامون "طرح جدید گزینش دانشجو"

"کمیته گزینش دانشجو" وابسته به ستاد انقلاب فرهنگی طرحی را تحت عنوان "طرح جدید گزینش دانشجو" به جهت تصویب نهایی و اجرا ارائه کرده است. از آنجا که اجرای این طرح اثرات بسیاری بر سرنوشت صدها هزار جوان و نوجوان ما خواهد گذاشت و نیز به نوبه خود با چگونگی طرحهای درازمدت برای آینده اقتصاد، مدیریت تخصص و ... در جامعه ما مربوط است، لذا پرداختن به آن و نشان دادن نکات مثبت و منفی اش از اهمیت بسیاری برخوردار است.

طرح مذکور در مجموع از دو بخش تشکیل می شود: یکی مقدمه آن که عمدتاً "به تشریح نظام آموزشی باقی مانده از رژیم منحوس گذشته می پردازد و دیگری اصل مطلب که خواهان فائق آمدن بر مشکلات ناشی از نظام آموزشی کنونی و در واقع ارائه راه حل هاست. خانه نکات مثبت این طرح را تنها باید در بخش نخست آن یعنی تشریح نواقص و زشتی های نظام آموزشی باقی مانده از رژیم منحوس گذشته جستجو کرد. این اشارات درست شایان تقدیر و در واقع بیانگر همفکری و همراهی ارائه دهندگان طرح با جامعه انقلابی رسته از بیندما هستند. اما در خصوص ارائه راه حل ها که در برگیرنده "شالوده" اصلی طرح مذکور است، وضع بدینگونه نیست:

"طرح جدید گزینش دانشجو" یکسال را بعنوان "سال پیش دانشگاهی" در نظر می گیرد که طبق آن در انتهای سال سوم دبیرستان هر کس "خواهد" می تواند به ادامه تحصیل عادی نپردازد و در یک آزمون ورودی مخصوص شرکت کند که طی آن توانایی داوطلبین در زمینه های تخصصی، عمومی و معارف اسلامی سنجیده خواهد شد. سپس در طول دوره یکساله قبول شدگان آزمون نخست به آموختن دروس نظری - دروس پایه دانشگاهی و معارف اسلامی - و کارهای عملی - دوره های ویژه، کارآموزی در موسسات دولتی و نهادهای انقلابی - خواهند پرداخت. آنگاه بر اساس "ارزیابی های مستمر این دوران" و نیز یک آزمون نهایی، طبق مندرجات طرح مذکور کسانی که استعداد و شایستگی علمی و "اخلاقی" برای تحصیل در دانشگاه را داشته باشند، برگزیده خواهند شد. و به دیگران هیچ مدرک تحصیلی خاصی تعلق نخواهد گرفت بلکه طبق طرح مذکور می توانند دوباره در سال چهارم دبیرستان ثبت نام نمایند. و البته این "برگشت"

صوابط خاصی دارد که بگفته طرح برای آن ارطرف آموزش و پرورش آیین نامه ای ندوس خواهد شد. علت اصلی ارائه این داخل را خود طرح همین بیان می کند " برای اینکه ورود به دانشگاهها جدی تر تلقی شود و فقط افرادی که واقعاً حواسار تحصیلات عالی به حسند به دانشگاهها راه یابند، پیشنهاد می شود ... یک دوره، یکساله پیش دانشگاهی تاسیس گردد.

همین دلیل را تشریح "دانشگاه و انقلاب" ارکان جهاد دانشگاهی بتکلی عربیان بر بیان می کند که در واقع عمق اشتباه را به مراتب روشی تر از خود طرح در معرض دید گذاشته است. این تشریح می نویسد: برای حل مساله، هجوم به دانشگاه باید سدت آزمون را از "چهار ساعت" به "یکسال" افزایش داد. و در واقع طرح مذکور هیچ چیز جز این افزایش مدت نیست. اما جای تاسف بسیار است که به این ترتیب دیده می شود ارائه دهندگان این طرح هیچ ربط و نظم منطقی میان طرح بالنسبه درست مشکلات و ارائه راه حل ایجاد نکرده اند. آخرتگره، مشکلات نظام آموزشی ما - و باحتی مشکل اصلی آن - ناشی از هجوم جوانان به دانشگاه بوده است که حالا ما راه حل را در کنترا این هجوم خلاصه کنیم و امتحان "چهار ساعت" را "یکساله" نماییم.

مگر زشتی های نظام آموزشی ما ناشی از ورود "کسانی که دانشگاه را جدی تلقی نمی کرده اند و واقعاً "خواستار تحصیلات عالی به نبوده اند" بسد دانشگاهها بوده است که حالا شما در صد دیدنا کسان "بهتری" را به دانشگاهها راه دهید؟! آیا نمی دانید که زشتی های نظام آموزشی ما بطور عمده "و حتی تماماً" - ناشی از جهت و سمت و سویی بوده است که نظام وابسته به امپریالیسم "سرمایه مدارانه" برایش تعیین کرده است؟ جای تاسف است که شما این واقعیت را در مقدمه طرح می پذیرید اما در ارائه راه حل آنرا نادیده می گیرید. به کسان ما طرح جدید گزینش دانشجو اساساً "به خاطر این اشتباه مهلک همراهی و همگامی با روند انقلابی جامعه را از دست می دهد و از انقلاب عقب می ماند. اما بپاییم راه حل مذکور را جدای آنچه گفتیم. و بقول معروف فی نفسه بررسی کنیم. تا معلوم شود که این طرح گذشته از عدم انطباق با روند انقلاب به شکلی که آمد به خودی خود چه اشکالات و نارسایی های دارد:

۱- اصل سوم از اصول کلی قانون اساسی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی را برای همه و در تمام سطوح رایگان اعلام کرده است و "سهیل و تمهیل و تعمیم" آموزش عالی را قانونیت داده است. در حالی که طرح مذکور نه تنها "سهیلاتی" برای آموزش عالی ایجاد نمی کند و آنرا "تعمیم" نمی دهد بلکه آموزش عالی را در محدوده های غیر از آنچه قانون اساسی تصریح کرده و ضروریات انقلاب می طلبد نکه داشته است. برای مثال طبق طرح مذکور تنها فارغ التحصیلان سالهای ۵۹ به بعد می توانند مشمول این طرح شوند در حالیکه طبق آمار خود طرح قبل از سال ۵۹، ۵۵ هزار نفر از دبیرستانها فارغ التحصیل شده اند و لزوماً "از حق ورود به دانشگاهها و آموزش عالی محروم می شوند. و این در حالی است که طرح نه برای این عده و نه برای آنها که "دلشان نخواسته است" در دوره یکساله، پیش دانشگاهی شرکت کنند و پا در آن مردود شده اند هیچ عرصه، روشن و امیدبخش را در صحنه، جامعه تصویر نمی کند.

۲- دستاوردهای علمی در زمینه آموزش و پرورش و روانشناسی جوانان ایجاد می کند که بخاطر شرایط و مقتضیات سنی آنها نظام آموزشی در حد ایشان نقش "تعیین کننده" و بسزایی را داشته باشد. به این ترتیب که عرصه های فعالیت و شربخت، را برای آنان روشن کند تا استعدادها و ذوق و علاقه شان رشد یافته و شربخت ترین عرصه فعالیت

آنها برای خودشان و جامعه روشن گردد. اما این طرح درست نقطه مقابل همه این دستاوردهای علمی تراز می گیرد و نوجوانانی را که سال سوم دبیرستان را به اتمام رسانده اند در واقع درگیر یک "ریسک" می کند! به این ترتیب که آنها "اگر دلشان بخواهد" می توانند در یک دوره یکساله شرکت کنند! پس اگر دیدیم موفق هستند آنها را به دانشگاه راه می دهیم، در غیر این صورت بعد از یکسال اگر آیین نامه وزارت آموزش و پرورش صلاح دانست برگردند و دوباره در کلاس چهارم ثبت نام نمایند! راستی اگر این آیین نامه صلاح ندانست چه می شود؟ نوجوانی که در این "ریسک" باخته است باید چه کند؟ طرح برایش جوابی ندارد و نه تنها برای او، بلکه برای هم سنش هم که در این "آزمایش شانس" از اول شرکت نکرده است همینطور. بسیار اشتباه است اگر جوانان را در این سن بر سر چنین دو راهی های دلبره آور قرار دهیم که معمولاً به اشتضای سن از انتخاب راه درست - آنهم بدون کمک و یاری نظام آموزشی - عاجز باشند و در شکل گیری شخصیت و آینده شان اثرات سو بجا گذارد. ۳- در سن طرح گزینش آمده است: "افرادی که عدم صلاحیت اخلاقی و وابستگی آنها به گروه های غیر قانونی سحرز شده باشد از شرکت در آزمون نهایی دوره پیش دانشگاهی محروم خواهند بود. و البته این تبصره شامل آزمون سرحله نخست هم می شود.

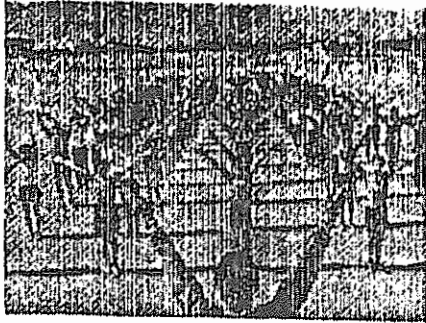


گذشته از تغییرات آسکار این صحبت ها با فسانون اساسی که دولت را بطرم به ایجاد سبیل در آموزش عالی برای همه و تمهیل و تعمیم می نماید این سحره انقلاب دیگری سیر دارد. اولاً، تاسف "صلاحیت اخلاقی" بسیار قابل تمهیل و کسار است. طرح هیچ معرینی از صلاحیت اخلاقی ارائه نمی دهد. آیا کساندن چنین واژه های کسدار و قابل معسرینی در حوضت گزینش های سبت بطرانه و احجار طلبانه قرار نخواهد گرفت؟ فقط "جواب مثبت است. آیا اسد اصلاح و سرنوشت صدها هزار جوان را می توان اینگونه به باری گرفت؟

ارایی که بگذریم طبق سدرجات طرح "واستکی به گروه های غیر قانونی" اسده و سرنوشت یک حوا را تاملات "تعمیر می دهد. این مساله بیسار هر حبر سنان دهنده درک بیامت، بحرانی و حیاتی اطلاعاتی ارائه دهندگان طرح از مساله آموزش و پرورش، مساله جوانان، روانشناسی جوانان، و طبیعتاً نظام آموزشی ... می باشد.

ارزوه بیستی از نیروی جوان ما به گروه های غیر قانونی وابستگی و تمایل دارد و عملاً در جنبه تمام انقلاب حرکت نمی کند. این درست است! مساله در صفحه ۵

ورزش صبحگاهی را در مدارس سازمان دهیم



مهرماه سال پیش مصادف بود با آغاز جنگ تمحیلی عراق به ایران. شور و وسع دانش آموزان برای شرکت در جنگ و فراگیری آموزش‌های نظامی برای دفاع از میهن باعث شد که ورزش صبحگاهی در آغاز سال گذشته، با رونق چشمگیری همراه باشد. ولی دیری نپایید که با شروع درگیری‌های درون مدارس، ورزش صبحگاهی نیز به یکی از عرصه‌های این درگیری تبدیل شد و فرد توده‌ای خویش را از دست داد. توده دانش آموزان از رزمش صبحگاهی کنار کشید و بی‌نظمی و ناهماهنگی حاکم شد و رفته رفته، به یونته فراموشی سپرده شد.

اگر به نقش ورزش در ناسن تند رستی بدنی، سادایی و سلامت اخلاقی نسل جوان و بالطبع انزوا آن در تعلیم و تربیت آمان نوجه کنیم، اگر تاثیر ورزش‌های جمعی را در ایجاد و تقویت روحیه همکاری، نظم پذیری و جمع‌گرایی در نظر بگیریم و بالاخره اگر در یک جامعه انقلابی، نقش ورزش‌های رزمی را در تقویت توان و روحیه رزمندگی جوانان در نظر آوریم، ضرورت همکاری کردن ورزش در میهن عزیزمان را بهتر درک می‌کنیم.

جهان، فقط در خدمت به انحراف کشاندن ذهن توده محصلین از دشمن اصلی و خدشه دار کردن مبارزه، ضدا میریالیستی آنهاست. و این همه در حالی است که مسوولین مملکتی بارها تاکید کرده‌اند شعارهایی که دشمن اصلی را به فراموشی می‌سپارند انحرافی و ضربه به انقلاب است.

امسال با توجه به تجربه گذشته انتظار می‌رفت که از سوی مسوولین آموزش و پرورش، برنامه‌ای واحد و همگانی ارائه شود ولی متأسفانه این چنین نشد و باز هم برگزاری آن به شیوه "گروهی" ادامه یافت یا اصلاً "انجام نگرفت". با این تفاوت که امسال دیگر درگیری وجود نداشت.

بخش قابل توجهی از این ضرورت حیاتی باید در مدارس ما بجا اجرا در آید. یکی از امکانات عقلی که می‌تواند در خدمت این هدف قرار گیرد، تنظیم و همکاری کردن ورزش صبحگاهی در مدارس است. شرایط ویژه جامعه، پس از انقلاب ما و لزوم تقویت ارش ۲۵ میلیونی برای مقابله با هر تجاوز احتمالی، توجه به تربیت بدنی و تقویت روحیه رزمی نوجوانان را ضرورتی بیشتر بخشیده است. برگزاری ورزش صبحگاهی با برنامه و محتوایی برپایه می‌تواند بخشی از این ضرورت را پاسخ گوید. علاوه بر آن، نرمش دسته‌جمعی دانش آموزان، قبل از شروع درس، در ایجاد نشاط و سرزندگی و آمادگی بیشتر برای جنب مطالب درسی، تاثیر بسزای دارد و می‌توان گفت که از این لحاظ بطور مستقیم برانرژی فراگیری محصلین امری گذارد. تند رستی و نشاط نوجوانان، عاملی مهم در فعال شدن اندیشه آنها و کسب بهتر علوم و فنون است.

فقدان یک برنامه سراسری در مورد چگونگی برگزاری ورزش صبحگاهی در مدارس، عدم تبلیغ کافی در مورد ضرورت و فواید شرکت دانش آموزان در این فعالیت جمعی، رسمیت ندادن به ورزش صبحگاهی از سوی مسوولین آموزش و پرورش، فقدان عوامل مشوق دانش آموزان به شرکت در این ورزش مثل مارشها و سرودهای انقلابی مناسب با حرکات نرمش، بی‌بهرگی حرکات نرمش از اسلوب و ضوابط علمی بدلیل عدم استفاده از مربی متخصص در این فن و بالاخره فضای حاکم بر ورزش صبحگاهی که با وجود کلیه ضعفهای بالا، که عاملی مهم در دوری

امروز - ارسای که این مراسم انجام می‌شود، شعارهای متن ورزش، مدت زمان آن، نوع حرکات و دیگر مسایل مربوط به آن، به سلیقه شخصی افراد یا مسوولین هر مدرسه و گذار گردیده، توده دانش آموز این امر را مربوط به خود و جزئی از برنامه روزانه‌اش تلقی نمی‌کند و بصورت امری فرعی و غیر ضروری به آن می‌نگرد. به همین دلیل در فبال اشکالات و نارسایی‌های آن، معمولاً "احساس مسوولیت نمی‌کند و بی تفاوت می‌گذرد".

نفس ورزش صبحگاهی بعنوان فعالیتی جمعی، در ایجاد وحدت و یگانگی بین محصلین، کسرتش روابط صمیمانه، تقویت حس انسان دوستی و اعتقاد به برتری کار جمعی به حرکت فردی نیز نکته‌ای در خور توجه و قابل تاکید است.

با هر یکی از اسلوب و ضوابط علمی بدلیل عدم استفاده از مربی متخصص در این فن و بالاخره فضای حاکم بر ورزش صبحگاهی که با وجود کلیه ضعفهای بالا، که عاملی مهم در دوری

هنوز هم علیرغم تجارب تلخ سال گذشته، شاهدیم که ضمن ورزش‌های صبحگاهی، شعارهای انحرافی و گروه‌گرایانه از سوی برخی برگزارکنندگان داده می‌شود. این امر یکی از عوامل موثر در عدم جذب توده دانش آموز به شرکت فعال در ورزش صبحگاهی است. بویژه تکیه بر شعارهای انحرافی علیه صدیق ترین دوستان انقلاب ایران در عرصه

بیرامون طرح جدید

بقیه از صفحه ۴

آگاهی از سالت جوانان و اینکه اسانها در این سن هنوز شخصیت شان شکل اسنوار دیرپای خود را نیافته است، آیابه ما اجازه می‌دهد آنها را از سحنه زندگی طرد کنیم در حالی که هزاران بار امید به تغییر آنها وجود دارد؟ و یا اساساً چه چیزی جز نظام آموزشی و کلا "انقلاب در ایجاد تغییر و تحول و به راه آوردن این "ره‌کم‌کردگان" نقش دارد و موثر است؟

طرح پیشنهادی جنبه ارشادی را در نظام آموزشی حذت می‌کند و بدین ترتیب آنرا از مضمون اصلی خود تهی می‌نماید. و این خصیصه‌ایست که هیچ گونه شراهی با روند انقلاب ندارد.

هنه این مطالب کلیاتی است که می‌توان در خصوص نواقص و نارسایی‌های این طرح و نظایرش عنوان کرد در حالی که گفتن و سگافتن هر چه آن مطلب را به درازا می‌کشاند. امید ما اینست که خود ارائه دهمدگان طرح، یعنی کسانی که بخشی از واقعیات را در تشریح نارسایی‌ها و نواقص نظام کنونی آموزش به درستی دیده و بد آن پرداخته‌اند با معن بیسردر یابند که چنین طرحهایی به هیچ روی جوابی بر مشکلات انقلاب در زمینه نظام آموزشی نیست و باید با این مشکلات بسیار، بسیار سجدیده‌تر، عاملانتر و انقلابی‌تر برخورد کرد. باید در نظام آموزشی قبل از دانشگاه تغییرات بسادین بوجود آید. بطوری که برنامه ریزیهای

اداری را در جهت منافع انقلاب تغییر دهد؟ اگر پاسخ شما به این سوال منفی است پس باید آنرا به امر نظام آموزشی و مساله دانشگاهها تمهیم دهید. این اولین گام خواهد بود. نظام آموزشی ما برای آنکه با روند انقلاب همپا همراه شود احتیاج دارد تا از یک وسیله جهت تامین نیازهای غیر مردمی و کاذب غارتگران در همه عرصهها - آنطور که رژیم منحوس گذشته می‌خواست - به یک اهم موثر و در عین حال هوشیار و دلسوز برای تامین مصالح انقلاب تبدیل شود. و در این راه باید هر چه بیشتر خصلت ارشادی بخود بگیرد. تا بتواند از جوانان و نوجوانان در عرصه‌های مختلف تولید و تفکر انسانهایی مندرثمر و بالنده بسازد.

یک انقلاب حق ندارد "واخوردگی" را دامن زند و نسبت به سرنوشت کسانی که هنوز به اقتضای نشان مستعد تغییرات بسیاری هستند بی تفاوتی نشان دهد.

نظام آموزشی ما نیازهای واقعی بخشهای کشاورزی، صنایع و خدمات تلفیق گردد. باید کاری کرد که فارغ التحصیلان دبیرستانهای ما بتوانند بر مبنای تخصص‌های اکتسابی به خدمت جامعه درآیند و همه اینکارها را نمی‌توان منحصر به یکساله پایان دوره دبیرستان نمود. باید خلاء بین کارگران ساده و متخصصین را از طریق ایجاد و گسترش مدارس حرفه‌ای و فنی در جنب واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی پر کرد و با ایجاد دوره‌های آموزشی کوتاه مدت پس از اخذ دیپلم در ارتباط با کار وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی عرصه‌های کاری نوینی برای جوانان بوجود آورد. در عین حال باید امکانات آموزش عالی را گسترش داده و آنرا در اختیار همه قرار دهیم. و فراموش نکنیم که نهایتاً "این انقلاب است که می‌باید متخصصین را از طریق پرورش نسل جوان پرورش دهد. باید دانشگاهها هر چه سریعتر کشوده شود. نمی‌توان دانشگاهها را بسته نگه داشت و به تغییر و تحول انقلابی آنها پرداخت آنجا انقلاب ما می‌تواند همه ادارات را تعطیل کند و آنگاه نظام

برای تحقق واقعی دگرگونی بنیادین در نظام آموزش عالی
برای باسختویی به نیازهای اقتصادی و فرهنگی میهنمان

دانشگاه‌ها و مدارس عالی باید هر چه سریعتر گشوده شوند

یاد در خانه وما گرد جهان می گردیم

چرا وارثان و سازندگان میهن انقلابیمان را در داخل کشور تربیت نکنیم؟

حجت الاسلام رفسنجانی ، رئیس مجلس شورای اسلامی ، در بخشی از بیانی که برای هفدهمین اجلاس اتحادیه انجمن های اسلامی در اروپا فرستادند ، گفته اند: " با جدیت تحصیل علم نمایید و خود را برای خدمت به مردم و پرکردن جای هزاران کارشناس جاسوس که ایران عزیز از آنها نجات یافته آماده نمایید . ایران مسلمان ، انقلابی ، آزاده و مستقل در انتظار شماست . شما وارثان و سازندگان وطن اسلامی خودتان باید باشید ."

پیام ایشان به درستی بر چند نکته تأکید کرده است . تأکید بر زوم جایگزینی هزاران کارشناس جاسوس بوسیله جوانان دانش آموز خسته و وطن ، جوانانی که می توانند خود را در خدمت مردم قرار دهند . نیز تأکید بر این نکته که جوانان باید بتوانند وظیفه سازندگی ایران آزاد و مستقل را عهده بگیرند . اینها نکاتی کاملاً مثبت و اصولی اند ولی زمانیکه بیاد می آوریم این کلی جملات در چه شرایطی بیان گردیده ، سالها بعد دیگری نیز می یابد .

هم اکنون حدود یکسال و نیم از تعطیلی دانشگاه های ایران می گذرد . نیرو و قدرت نزدیک به ۱۷۵ هزار دانشجو و ۹ هزار کادر علمی دانشگاهها - بجز

بخش کوچکی - عاطل و باطل مانده و به هرز می رود . امکانات و تجهیزات کارگاهی و آزمایشگاهی عظیمی بدلیل تعطیلی زیانبار دانشگاهها بلااستفاده مانده و سالانه مبالغ هنگفتی خرج نگهداری و حفاظت آنان می شود . آیینی توان تمام این امکانات را به خدمت انقلاب و جمهوری اسلامی گرفت ؟ آیا امکان پذیر نیست که با این نیروها هزاران جوان مشتاق تحصیل دیگر جای کارشناسان جاسوس را ، پرکرد ؟ در اوضاع و احوالی که امکانات تحصیل برای میلیونها جوان ایرانی می تواند در ایران فراهم شود ، چرا وارثان و سازندگان وطن انقلابیمان را در داخل کشور تربیت نکنیم ؟

امروز ، دانشگاه های ما بدلیل " غربی بودن نظام آموزشی شان تعطیلند . در حالی که اکثریت عظیم دانشجویان خارج از کشور در کشورهای اروپای غربی و آمریکا یعنی مرکز جهان سرمایه داری مشغول به تحصیلند .

امروز فرزندان زحمتکش ترین اقشار این ملت نمی توانند به دانشگاه و آموزش عالی راه یابند ، زیرا آنان به هیچ وجه قدرت مالی برای تحصیل در خارج را ندارند . اینان وارثان حقیقی و سازندگان واقعی ایران فردا نیستند ، البته ما شکنداریم که انقلاب ،

ورزش صبحگاهی را

در مدارس ...

بقیه از صفحه ۵

جستن دانش آموزان و کم علاقه آنهاست . فضایی که به سبب گروه گرایی و تکیه بر شعارهای انحرافی و تفرقه افکنانه و کم توجهی به نظرات و پیشنهادات سازنده ، سیر دانش آموزان هواداران انقلاب ، برای جذب توده دانش آموزانی مناسب و مساعد نیست .

برای آنکه ورزش صبحگاهی در مدارس هرچه وسیعتر به اجرا درآید و اکثریت توده دانش آموز را زیر پوشش خود بگیرد ، باید اقداماتی جدی در جهت هماهنگ کردن ورزش صبحگاهی محصلین صورت گیرد . علاوه بر آن ، باید عوامل بازدارنده گسترش ورزش ، از میان برداشته شوند . بیشترین بخش این وظیفه به عهده مسوولین آموزش و پرورش است ، ضمن آنکه دانش آموزان آگاه و انقلابی می توانند با تلاش پیگیر خود زمینه را مساعدتر سازند و دوستان خود را به شرکت در این فعالیت جمعی فراخوانند .

تدابیر زیر جهت همگانی و عمومی شدن ورزش صبحگاهی در مدارس می تواند راهگشا باشد .

- رسمیت بخشیدن به ورزش صبحگاهی در مدارس ، مشخص کردن مدت زمان ورزش ، نوع حرکات و سرود متن آن از سوی وزارت آموزش و پرورش .
- استفاده از متخصصان تربیت بدنی جهت هماهنگ کردن حرکات نرمش صبحگاهی . آنها می توانند چند حرکت واحد و مشخص را انتخاب کرده و از طریق وسایل ارتباط جمعی بویژه تلویزیون ، مربیان ورزشی مدارس و محصلین را با این حرکات آشنا کنند .

- موظف ساختن مربیان ورزش مدارس به شرکت در نرمش صبحگاهی . تجربه نشان داده است که وجود مربی کاردان در جذب محصلین بسوی ورزش تأثیر مثبت دارد و فضای ورزش را جدی می کند .
- استفاده از سرودهای انقلابی و موسیقی رزمنه برای زیبا و پر نشاط کردن ورزش صبحگاهی . اگر سرودهای متن حرکات نرمش ، از سوی وزارت آموزش و پرورش تعیین شده و بطور هماهنگ در مدارس مورد استفاده قرار گیرد ، در ایجاد نظم و ترتیب در ورزش صبحگاهی موثر است . از رسانه های گروهی مانند رادیو می توان در این مورد کمک گرفت .

- آرایه شعارهای واحد و در چهارچوب اهداف انقلاب از سوی مسوولین آموزش و پرورش برای ورزش صبحگاهی .

- تشویق و ترغیب محصلین به شرکت در این فعالیت سازنده با گذاشتن برنامه های تبلیغی توضیحی در مدارس .

امیدواریم با توجه جدی مسئولین آموزش و پرورش و رونق بخشیدن به این حرکت جمعی و مفید شاهد برگزاری ورزش صبحگاهی بطور وسیع و گسترده در مدارس باشیم

مدرسی هم که قرار بود برنامه به اجرا در آید ، به دلایل ناهماهنگی ، عدم کنترل و بی برنامهگی با موفقیت کامل روبرو نبود . حق آن بود که در تدارک این هفته با شیوه ای صحیح و در سازمان یافته تر انجام می گرفت که در آن صورت می توانست حاصلی ارزنده تر داشته باشد .

۲- در برگزاری هفته دانش آموز شایسته بود که مسئولین جمهوری اسلامی ایران بر فعالیت جمعی همه دانش آموزان تأکید می کردند تا بعضی از مسئولین نتوانند برگزاری این مراسم را به گروه و تعداد خاصی از دانش آموزان محدود کنند .

۳- مضمون و محتوای سخنرانی ها و رهنمودهای مسئولین مدارس در روزهای مختلف هفته بویژه در ۱۳ آبان " روز دانش آموز " می بایست از جانب مقامات مسئول و بسا تکید بر اهداف انقلاب رهبری می شد تا همه نوشته ها و سخنرانی ها ، در جهت افشای توطئه های دشمن اصلی خلقهای جهان امپریالیسم جهانی به

سرکردگی امپریالیسم آمریکا باشد . تاکنون نتوانسته ایم که خود می خواهیم بر خلاف هدفهای انقلاب مراسم را اجرا کنند و شعارها را به سبب انحرافی بکشانند .

متأسفانه در مواردی دیده شد که حتی یکی از مسئولین آموزش و پرورش تهران جهت اصلی سخنرانی اش را در ۱۳ آبان ، حمله به دوستان جهانی انقلاب و با متحدین ما در منطقه یعنی سوریه ، الجزایر و لیبی قرار داده بود . این مساله بخصوص در شرایطی که دشمنان انقلاب با ماسک دروغین در آموزش و پرورش جاگرفتند بسیار مهم است . و البته درست تر آن که با افشای این ریاکاران آنها از محیط آموزش ما طرد شوند .

در پایان بار دیگر تأکید می کنیم که ابتکار برگزاری هفتم دانش آموز گاه مثبت در تجلیل از جنبش انقلابی دانش آموزی ایران بود . امیدواریم که بسا تجربه های پربار در آینده گامهای استوارتری در این راه برداشته شود .

نهاده شده بود . مراسم این روز در بعضی مدارس با خواندن سرود و اجرای سخنرانی یا خواندن مقالاتی درباره ضرورت کسب علم و دانش برگزار شد . در طول هفته دانش آموزان بعضی از مدارس به همین مناسبت نمایشگاه عکس و پوستر از شرکت دانش آموزان در انقلاب و جانبازهای آنان در جبهه های جنگ علیه رژیم صدام برپا شد . در برخی مدارس مسابقات ورزشی به یاد شهدای دانش آموز برگزار گردید . و در تعداد دیگری نیز هفته دانش آموز آغاز کار تعاونها بود .

در حاشیه برگزاری هفته دانش آموز

۱- نامگذاری هفته دوم آبان ماه به نام هفته دانش آموزان یک طبعی بود که متأسفانه این برنامه به دلایلی که بر ما روشن نیست نتوانست به شکلی گسترده و سراسری اجرا شود . در آن

سال تحصیلی جاری را به سال اتحاد ، سال رزم مشترک و متحد همه دانش آموزان علیه امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا خاتمه تبدیل کنیم

بقیه از صفحه ۲

با دولت جدید جوانان از...

مدرک تحصیلی فقط به درد پشت میز نشستن می خوردند. در شرایط امروز امسا، که یک اقتصاد برنامه ریزی شده و خلقی، نیروهای کارآمد و سازنده ای را طلب می کند، ایجاد دوره های کوتاه کارآموزی در رشته های مورد نیاز کشاورزی، صنعت و خدمات، سرمایه گذاری عظیمی برای آینده ایران است. ما گمان می کنیم که برپائی چنین دوره هایی در حد توان و ظرفیت کنونی ارگان های اجرایی هست و حرکت وسیعی را در میان جوانان ما بپسند خواهد کرد.

یکی از دردناک ترین مسائلی که با آن روبروئیم برخوردی است که مینا و پایه آن تنگنری، خودمحوریتی و ارزیابی های نادرست است. چنین برخوردهایی در موارد مختلف باعث نارضایتی و دل سردی جوانان می شود. مطلب آن نیست که این مشکل فقط گریبان جوانان را گرفته، خیر، این سیاست در میان تمام اقشار و طبقات و هر کجا که تیغش بترائی داشته باشد، کار می کند و نارضایتی می تراشد. از آنجایی که جوانان نیز به شکل وسیع و در عرصه های گوناگون با این مسئله مواجهند، برآنیم که ما هم در این مورد صحبت کنیم.

آموختنیم که " هنر انقلابیون، مهارت در گردآوری و نه تفرقه نیروهاست"، اما هنگامی که به طرح مسئولین ستاد انقلاب فرهنگی نگاه می کنیم و ضوابط و قواعد دانشجوی جدید یا ادامه تحصیل دانشجویان قدیمی را می بینیم، وقتی به شیوه پاکسازی صدها معلم مومن به انقلاب که سرنوشتشان با سرنوشت تحصیل میلیون ها دانش آموز گره خورده می نگریم، زمانی که شیوه استخدام هزاران جوان آرزومند خدمت به مردم را مشاهده می کنیم که فقط به علت آنکه به شیوه معینی فکر نمی کنند - مستقل از توانایی ها و قصدشان برای خدمت به انقلاب - مورد قبول نیستند، آنگاه به ابعاد ضربه های وسیع این سیاست پی می بریم و بر همه اینها اضافه کنید جو حاکم بر فضای آموزشی مدارس را که بر خلاف تمام دستاوردهای علمی در زمینه تعلیم و تربیت، فشاری بی مورد، برای اجرای نوعی آموزش می شود که با هیچ معیار و اصولی علمی قابل بررسی نیست.

مذاقان این سیاست بیایند و کارنامه خویش را ارائه کنند. موفقیتشان در جذب نیروها بوده یا در هر چه بیشتر دفع و تاراندن گروه گسروه جوانان؟ شیوه های برخورد این چنینی بسا نوجوانانی که اولین تجربه های زندگیشان را آغاز می کنند جز دل سرد کردن و بی تفاوت شدن نسبت به انقلاب و آرمان های انقلابی کدام ثمر دیگر داشته است؟

عدم شناخت روحیه خاص جوانان مسائل و مشکلات آنها در این سنین عواطف و احساساتشان در آغاز زندگی اجتماعی منجر به آن شده است که برخوردهای یکسویگرانه که در مورد همگان اعمال می شود، اینجا نتایج زیان بارتری را بوجود بیاورد انتظار داریم که موقعیت خاص و ویژه جوانان در برنامه های دولت کنونی جای خویش را به درستی بیاید و با درایت و تیزبینی دولتمردان جمهوری اسلامی، انقلاب همه نیروهای بالقوه و بالفعل خویش را تجهیز

به دلیل خامی و بی تجربگی و بر بستر پیچیدگی های انقلاب ایران، جذب این گروه ها شده اند. اینها اما اکثریت کسانی هستند که گام نخستین و نیت گذشته و حالشان دفاع از منافع مردم و انقلاب بوده است. بخش وسیعی از این جوانان قابلیت آن را دارند که به آغوش انقلاب بازگردند.

امروز که بیش از هر زمان دیگری چهره خیانت رهبران این گروهها برملا شده و زمینه درک مسائل برای جوانان طرفدار این گروهها فراهم گشته، صفوف جوانان انقلابی ایران باید اینان را بخود راه دهد.

تا آنجایی که وظیفه ماست در کمک به آنها ما آمادیم و خواهیم کوشید به گفته امام که: " شما جوانان عزیز و هشیار دست به دست هم دهید و این نوابگان بی خبر را ارشاد و از دام این صیادان شیاد برهانید " عمل کنیم ولی از مسئولین هم می خواهیم که با برخورد متین و صحیح راه بازگشت این جوانان را به این انقلاب بازگشایند و آنچنانکه منافع انقلاب حکم می کند

کند و در مقابل دسائس دشمنان بکار گیرد. دانشگاه های ایران که امروز باید وظیفه تربیت کادر علمی و فنی برای رشته های گوناگون اقتصاد صنایع، کشاورزی، آموزش و پرورش، فرهنگ و ... برعهده بگیرند، نزدیک به دو سال است که تعطیل مانده اند. بیش از صد هزار جوان دانشجو که در دانشگاه ها مشغول به تحصیل بوده اند، بیکار و بی هیچ دورنمایی برای زندگی آینده شان در حال انتظارند. علاوه بر اینها هر ساله هزاران دانش آموز که فارغ التحصیل می شوند نیز به خیل این منتظران می پیوندند. علیرغم تاکید امام بر اینکه " شورای انقلاب فرهنگی لازم است با کوشش فراوان و افزایش گروه های متعهد و متخصص کار خود را به نتیجه رساند و در باز شدن دانشگاه ها در این سال حداعلی توان خود را بکار گیرد " یک رشته بی برنامه گی ها ندانم کاری ها و برخی گزارندهایی ها باعث تاخیر در بازگشایی دانشگاه ها شده است.

ما همچنان تاکید می کنیم که برای تحقق واقعی دگرگونی در نظام آموزش عالی و برآوردن

آقای نخست وزیر!

جذب و سازمان دادن جوانان در سمت اهداف میهنی و مردمی، بطور موثری جنبش ما را با کامیابی های گسترده قرین خواهد کرد. بر پایه تمام زمینه های مثبتی که در واقعیات روزمره جامعه ما برای اجرای دگرگونی های عمیق موجود است بر اساس چشم اندازهای روشنی که در حرکت دولت جدید تصویر کرده اید و بر مبنای توانی که در مردمان سراغ داریم فکر می کنیم که باید در انتظار تحولات بسیار جدی در آینده انقلاب باشیم.

بدین سبب است که در اینجا می کوشیم تا اساسی ترین مسائل و خواست های جوانان را با دولت جدید مطرح کنیم و امید آن داریم که برنامه ها و حرکات کابینه شما برای تحقق این خواست ها و بسیج توده های جوانان و شرکتشان در مبارزه انقلابی آغازی نویسن باشد.

نیازهای رشد و توسعه جمهوری اسلامی ایران، باید اقدامات عاجل برای بازگشایی سریع دانشگاه ها و مدارس عالی صورت پذیرد و امیدواریم که آغاز کار دولت جدید راهگشایی برای ضرورت مبرم باشد.

ایجاد تحول بنیادی در نظام آموزش ایران از مهمترین و مبرم ترین وظایف دولت انقلابی است. ما در این عرصه با یکی از ننگین ترین آریه های نظام وابسته و استعماری رژیم شاه مواجهیم. برای حرکت در این جهت و رفع کمبودها باید نبردی عظیم را آغاز کرد و آنچه در رأس مسائل انقلاب آموزشی ماست، ایجاد امکانات برای تحصیل همه نوجوانان ایران است.

هنوز پس از گذشت چند سال از انقلاب، بسیاری از نوجوانان میهن ما که فرزندان زحمتکش این آب و خاکند، نمی توانند درس بخوانند، زندگی این هموطنان، به دلیل فقر مادی خانواده یا نبودن مدرسه در محله زندگی شان و یا نداشتن امکانات و معلم و ... در کارگاهها، مزارع، کارخانجات و خانه ها می گذرد. این سخن که جای کودکان و نوجوانان در مدرسه است نه در کارگاه و مزرعه، امروز بیش از هر وقت دیگر ضرورت تحقق خویش را باز یافته است. دگرگونی در نظام آموزشی ایران و در درجه نخست اجباری کردن هشت سال آموزش عمومی برای نوجوانان ایران، خواست بحق و منطقی فرزندان راستین انقلاب ایران از دولت مهندس موسوی است.

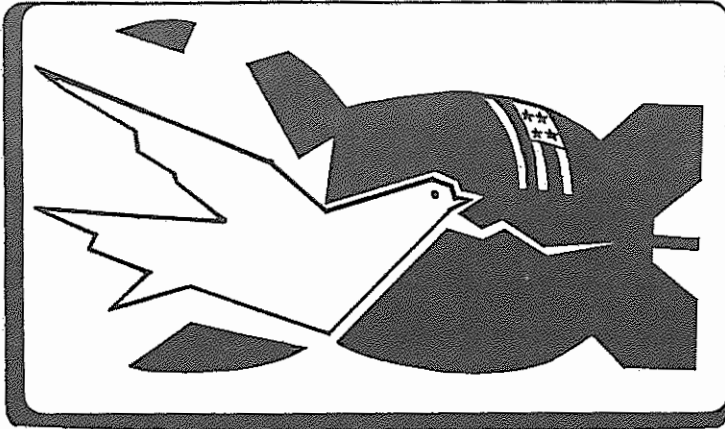
بخش وسیعی از اعضا و هواداران گروه های منحرف، جوانان رهگم کرده این ملتند. اینان

با آنها به شیوه ارشاد و اقناع برخورد کنند. جدا از فعالیت منظم آموزشی در مدارس و دانشگاه ها، مراکز ورزشی، هنری فرهنگی و علمی و عرصه های مهمی برای فعالیت آزاد و داوطلبانه جوانان هستند. آنچه در رژیم سابق در این مراکز می یافتیم چیزی جز فساد فرهنگ منحط غربی، روحیه فردی قهرمان پروری، هنر مبتذل و پسمانده سرمایه داری نبود. پس از انقلاب حق آن بود که فعالیت این موسسات با محتوی انقلابی گسترش چشمگیر یابند. ولی متأسفانه به دلیل عدم درک اهمیت این فعالیت ها در پرورش جوانان تاکنون شاهد فعالیت مثبتی در این عرصه ها نبودیم.

در این فرصت لازم می دانیم، توجه به گسترش این امکانات و دمیدن روح انقلابی به این مراکز موجب رشد همه جانبه پسران و دختران جوان ایران شده و آنها را برای انجام وظایف تاریخی شان به شیوه ای صحیح آماده خواهد کرد.

آقای نخست وزیر!

اینک که شما و کابینه جدید کار خویش را آغاز کرده اید، اطمینان داشته باشید جوانان سراسر ایران و همه نیروهای انقلابی برای همیاری و همکاری با شما و به ثمر رسانیدن اهداف انقلاب آماده اند. جوانان انقلابی ایران امیدوارند که دولت جدید با سرفرازی و پیروزی، مسئولیتی را که به عهده گرفته است، به پیش برد.



صلح

از: یانیس ریتسوس شاعر مبارز یونانی

ضدبشری امپریالیسم جهانی
چشیده است، دیکرا اجازه نخواهد
داد تا آن شود که کرده بودند.
این خواست حقه همه انسانهاست
و از اینروست که همه زحمتکشان
جهان مشتاقانه نظاره گر گامهای
استوار یاران خویشند زیرا:
"قطاری که بسوی آینده -
پیش می تازد
سرشار گندم و گل سرخ،
صلح است این."
آری نمی توان گفت شاعر این
شعر "یانیس ریتسوس" بوده است
که این شعرا دعائنامه ایست از طرف
تمامی مردمی که اینروزها خیابانها
را عرصه تجمعات صلح طلبانه
خویش کرده اند
"برادران من!
همه جهان باهمه رویاهایش
عمیق نفس می کشد در صلح"

امپریالیسم جهانی به سرکردگی
امریکای جنایتکار که مرگ خویش
را نزدیک دیده است، هراسان
بر طبل جنگ می کوبد. انبارهای
سلاح را انباشته ترمی کند، سلاحهای
مرگبارتر به صحنه می آورد، در
نقاط مختلف آتش جنگهای
"محدود" بپا می کند و وقیحانه
از به آتش کشیدن تمام جهان
سخن می گوید. اما چه عبت
کوششی است.
توده های میلیاردری جهان، با
مقابله هرچه متحدتر و گسترده تر
با تجاوز کاران و جنگ طلبان،
ندای پیروزی و صلح راهرچه
رساتر، بگوش می رسانند.
... و چنین است که اینروزها
سنگفرش خیابانهای دنیای سرمایه
داری با غریب جانی خویش صلح به
وجد آمده است نسلی که طعم تلخ
جنگ و خانمانسوزی را با مطامع

و روزی است بیروز و خوابی است بحق.
هنگام که باز حس می کنی خورشید با شتاب زمین و برگش را می بندد
تا که اندوه را تعقیب کند و کج های زمان براند.
صلح است این

صلح کومه های اشعه خورشید است بر کستزاران تابستان،
کتاب الفبای مهربانی است بر زبان سیده دمان،
هنگام که می گویی: "برادر من" - هنگام که می گویم: "ما
فردا خواهیم ساخت."

هنگام که می سازیم و می خوانیم
صلح است این

صلح، مشتبهای گره کرده مردان است،
نان بریان است بر سفره جهان،
لبخند مادری است،
تنها همین.
صلح جز این نیست.

و خیشها که در تمام زمین شیارهایی ژرف می سازند
تنها یک نام را می نویسند:
صلح. همین. صلح
برستون مهره های شعر من
قطاری که بسوی آینده پیش می تازد،
سرشار گندم و گل سرخ
صلح است این.

برادران من،
همه جهان، با همه رویاهایش
عمیق نفس می کشد در صلح.
دستهایتان را به ما بسپارید، برادران،
صلح است این!

رویاهای یک کودک همه از صلح است،
رویاهای یک مادر همه از صلح است،
سخن عشقی در زیر درختان،
همه از صلح است.

پدر که باز می گردد در شامگاه یا گسترده لبخندی در چشمهایش
با زنبیلی پر از میوه در دستهایش
و قطرات عرق بر رخساره اش،
مانند قطره های شبنم بر کوزه ای
که آب اندرونش را در درگاهی پنجره خنک می گرداند، -
این همه صلح است.

هنگام که زخمها بر رخساره جهان التیام می یابد
و در گودالهای حفر شده با آتش توپها، درختان کاشته آمده اند
و در قلبهای سوخته با خرمن آتش، امید، نخستین جوانه هایش را
به شکوفه می نشاند

صلح است این

صلح پیاله های شیرگرم و کتابی است در برابر کودک بیدار،
هنگام که ساقه های گندم به یکدیگر تکیه می دهند و می گویند: نور،
نور، نور، نور، نور.

و گلنجان افق لبریز می شود از نور،
صلح است این.

صلح، عطر غذا در شامگاهان است،
هنگام که توقف ماشینی در خیابان نه بمعنای ترس است،
هنگام که صدای کوبشی بر در، بمعنای حضور رفیقی است،
و گشودن پنجره ای در هر ساعت به معنای آسمانی است
که چشم ها را به میهمانی زنگوله های دور دست رنگهایش می برد.
صلح است این

هنگام که یک روز گذشته است، روزی از دست رفته نیست این،
بل ریشه ای است که برگهای شادمانی را در شب به فراز می برد

